

روش‌شناسی آیت‌الله مصباح یزدی در پاسخ به شبهات اعتقادی

sharifi1738@yahoo.com

ک احمدحسین شریفی / استاد گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

hekmatquestion@gmail.com

محمدعلی محیطی اردکان / استادیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۲ - پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴

چکیده

پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی و دفاع از کیان فکری اسلام، همواره کانون توجه اندیشمندان اسلامی بوده است. آیت‌الله مصباح که از فیلسوفان و متکلمان برجسته دوران معاصر جهان اسلام است دارای روشی بدیع و کارآمد در مواجهه با شبهات دینی و اعتقادی است. در این مقاله با روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی روش‌شناسی آیت‌الله مصباح در پاسخ به شبهات اعتقادی می‌پردازیم. بدین منظور، پس از معنائشناسی شبهه و تبیین اهمیت پاسخ به شبهات، به تحلیل مراحل هفتگانه آن پرداخته و روش مورد بحث را بر مسئله حقوق زن تطبیق می‌کنیم. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که با گذر از مراحل فهم شبهه با قطع نظر از حب و بغض، تقریر و تحلیل دقیق شبهه، تبارشناسی شبهات، توجه به منشأ و علل پیدایش شبهه، توجه به پیامدهای شبهه، نقد ادله و مدعا و تبدیل تهدید به فرصت، می‌توان از ظرفیت عقلانیت فکر شیعی در رویارویی با شبهات، بیشترین بهره را برد و به درک عمیق‌تر لایه‌های ژرف معارف اسلامی دست یافت.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، شبهه، اعتقادات، حقوق زن، آیت‌الله مصباح.

مقدمه

«شبهه» در لغت به معنای مشابهت و اشتباه است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۵۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۰۴-۵۰۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۳). امیرمؤمنان علی علیه السلام در مقام بیان وجه تسمیه شبهه می‌فرماید: «وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۳۸، ص ۸۱)؛ شبهه برای این شبهه نامیده شده است که شبیه حق است. با توجه به وجه تسمیه شبهه، منظور از آن در تحقیق پیش‌رو، هرگونه اشکالی است که موجب اشتباه در تشخیص حق از باطل شود.

پاسخ به شبهات، به لحاظ نظری و عملی اهمیت دارد. به لحاظ نظری، روشن شدن حقیقت و دستیابی به واقع، در گرو پیگیری دلایل اثباتی از یک‌سو، و دفع یا رفع شبهات موجود یا احتمالی در مسئله موردنظر است. در آموزه‌های دینی نیز بر فضیلت دفاع علمی از باورهای دینی و اعتقادی، در برابر شبهات شیطانی اشاره شده است. از جمله روایات مرتبط، روایتی از امام صادق علیه السلام است که در آن، بر فضیلت عالمان پاسخگو به شبهات و مدافع از حریم اعتقادی، نسبت به مجاهدانی اشاره شده که برای حفظ جان سایر شیعیان تلاش می‌کنند. براساس این روایت، فضیلت عالمان مدافع باورهای دینی، هزاران مرتبه بیش از مجاهدان و مدافعانی است که در جبهه‌های نبرد نظامی تلاش می‌کنند:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِالتَّغْرِ الَّذِي يَلِي ابْلِيسَ وَ عَفَارِيتهُ يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الخُرُوجِ عَلَي ضِعْفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَن أَنْ يَتَسَلَطَ عَلَيْهِمْ ابْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ النَّوَاصِبُ أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَن أَدْيَانِ مُحِبِّينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَن أَسْدَانِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵؛ تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴۳)؛ علمای پیروان ما، مرزداران مرزی هستند که در آن سوی آن، ابلیس و نیروهای زیرک او قرار دارند. آنان سپاه ابلیس را از هجوم بر شیعیان ناتوان ما بازمی‌دارند، و از تسلط ابلیس و پیروان کینه توز او بر شیعیان ناتوان ما جلوگیری می‌کنند. آگاه باشید، هر کس از شیعیان ما خود را در این جایگاه مرزبانی قرار دهد، هزار هزار بار، از کسانی که با روم و ترک و خزر جهاد کردند برتر است؛ زیرا این مرزدار از دین دوستداران ما دفاع می‌کند، در صورتی که آنان از بدن ایشان دفاع می‌کنند.

سرّ برتری عالمان مدافع باورهای اعتقادی را می‌توان در هدف ایشان جست‌وجو نمود. هر انسانی به دنبال سعادت خویش است. خوشبختی انسان در گرو ایمان و انجام اعمال صالح است (عصر: ۳). انجام کارهای شایسته، جز با بهره‌مندی از شناخت‌های صحیح امکان‌پذیر نیست. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که شناخت به‌تنهایی برای دستیابی به سعادت کافی نیست و وجود انگیزه کافی و درست نیز لازم است. پس، شناخت شرط لازم تحقق عمل صالح است و بدون آن، گام نهادن در طریق سعادت بی‌ثمر خواهد بود.

برخی از باورها، ناظر به شناخت واقعیت می‌باشند و به هست‌ها و نیست‌ها مربوط می‌شوند؛ باورهایی نظیر وجود خداوند

متعال، فرشتگان و رسولان الهی، عصمت ائمه اطهار علیهم‌السلام و عدم تحریف قرآن کریم، نمونه‌هایی از این دسته باورها هستند که معمولاً با تعبیر عقاید یا اعتقادات از آن سخن به میان می‌آید. این دسته از باورها، شامل مسائل حوزه‌های مختلفی مانند معرفت‌شناسی، خداشناسی، راه و راهنماشناسی می‌شود که گاه با تعبیر «جهان‌بینی» از آن تعبیر می‌شود. دسته دیگری از باورها، ناظر به عمل است و با بایدها و نبایدها سروکار دارد. این دسته از باورها، راهنمای عمل انسان هستند و زندگی انسان را جهت می‌دهند. علمی مانند فقه، اخلاق، حقوق و سیاست، دانش‌هایی هستند که با این دسته از باورها سروکار دارند. از این باورها، به «ایدئولوژی» تعبیر می‌شود (مصباح، ۱۳۹۱ الف، ص ۳۳؛ همو، ۱۳۶۱، ص ۲-۳).

باورهای ناظر به عمل (ایدئولوژی)، منتسب به عقل عملی است و باورهای ناظر به واقع (جهان‌بینی)، منتسب به عقل نظری است. این دو نوع باور، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، به طوری که بدون جهان‌بینی دقیق و صحیح نمی‌توان ایدئولوژی معقولی داشت و بایدها و نبایدهای زندگی عملی را به خوبی شناسایی نمود و نتیجه عدم تشخیص درست در حوزه ایدئولوژی، بروز رفتارهای نادرست و عدم دستیابی به سعادت حقیقی است.

افزون بر این، در انسان‌شناسی فلسفی ثابت شده که گرچه انسان موجودی مرکب از روح و بدن است (صدرالمتألهین، ۱۹۹۸، ج ۸، ص ۴۲-۴۴؛ فیاضی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۱-۲۵۰)، اما در این میان روح انسان اصیل است و انسانیت انسان به روح اوست (مصباح، ۱۳۹۲ الف، ص ۱۷۶-۱۸۷). از سوی دیگر، هدف انسان دستیابی به سعادت حقیقی است و سعادت حقیقی انسان نیز مربوط به روح انسان است و نه جسم او (مصباح، ۱۳۹۲ هـ.، ص ۳۳۳؛ رجبی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۳). براین اساس، می‌توان پاسداری از روح انسان را برتر از پاسداری از جسم او دانست.

بهرآسانی، در فرهنگ شیعی، ارزش مرزبان فکر و عقیده یک میلیون برابر بیشتر از ارزش مرزبانان فیزیکی و جسمی است؛ زیرا اگر از مرزهای فکری و عقیدتی دفاع نشود، همت و عزمی برای دفاع از مرزهای فیزیکی نیز باقی نخواهد ماند و کیان اسلامی بدون مدافع خواهد ماند. عالمان دین، با دفاع از معارف اسلامی و دفع یا رفع شبهات و پاسخ به انحرافات فکری، اصالت فکر اسلامی را حفظ می‌کنند و انگیزه فدای جان برای اسلام در دل‌های رزمندگان جبهه‌های نبرد فیزیکی به قوت خود باقی می‌ماند.

بی‌شک آیت‌الله مصباح یکی از جدی‌تری و قوی‌ترین مدافعان و مرزبانان فکر و فرهنگ اسلامی شیعی و انقلابی در دوران معاصر بودند. او نه تنها خود، مرزبان اندیشه اسلامی بود، بلکه هزاران مرزبان قوی برای عقیده اسلامی تربیت کرد و مرابط‌پرور بود. شاگردان باواسطه و بی‌واسطه ایشان، در سراسر دنیا از عقیده درست دفاع می‌کنند و شبهات مربوط را به صورت روشمند، همانند خود ایشان پاسخ می‌دهند. رسالت این پژوهش، بررسی روش‌شناسی آیت‌الله مصباح در پاسخ به شبهات اعتقادی است. برای دستیابی به این هدف، با توجه به آثار مکتوب و شفاهی ایشان، ابتدا مراحل پاسخ به شبهات را تحلیل کرده، پس از آن، به تطبیق مراحل بر یکی از شبهات اعتقادی می‌پردازیم:

۱. مراحل پاسخ به شبهات

نگاه کلان به روش مواجهه آیت‌الله مصباح با شبهات دینی و اعتقادی، بیانگر این است که ایشان در رویارویی با این‌گونه شبهات، مراحل زیر را مورد نظر داشته است:

۱-۱. فهم شبهه با قطع نظر از حب و بغض

حقیقت‌جویی با انگیزه الهی در هر مسئله، با صرف نظر از قالب طرح آن مسئله، اصل اخلاقی محوری و ضروری در هر پژوهشی به حساب می‌آید (محیطی اردکان و شریفی، ۱۳۹۹، ص ۵-۲۳). آیت‌الله مصباح، برای فهم درست شبهه تلاش جدی و مجاهدت نفسانی داشت. او تلاش می‌کرد شبهه را آن‌گونه که هست، بفهمد و نسبت به طرح‌کننده شبهه و یا نسبت به مسئله مطرح‌شده در شبهه، حب و بغض نداشته باشد.

یکی از ویژگی‌های کم‌نظیر آیت‌الله مصباح، کنار گذاشتن حب و بغض‌های ناروا، در همه عرصه‌ها از جمله پاسخ به شبهات اعتقادی بود. آیت‌الله مصباح، در اولین موقعیت‌آشنایی با علامه طباطبائی، چنان شیفته ایشان می‌شود که حاضر بودند تا آخر عمر خادمشان باشند. در عین حال، این شیفتگی معنوی، مانع بررسی حقیقت‌جویانه اندیشه‌های استادش نشد. نقدهای جدی آیت‌الله مصباح بر برخی دیدگاه‌های علامه طباطبائی در آثاری همچون *آموزش فلسفه و تعلیقه بر نه‌یاه* بر آشنایان فلسفه روشن است. درحالی‌که بخش عمده‌ای از نقدهای مزبور در زمان حیات علامه طباطبائی مطرح شده است. اگر یک محقق به این نتیجه دست یافت که استادش یا پژوهشگران پیش از وی، در یک مسئله به خطا رفته‌اند، لازم است آن خطا را گوشزد کند و به حقیقت پایبند باشد. چنان‌که ارسطو در مقام پاسخ به اعتراضی مبنی بر نقادی دیدگاه‌های استادش *افلاطون* می‌گوید: «*افلاطون* را دوست دارم؛ اما به حقیقت بیش از *افلاطون* علاقه دارم» (فروغی، ۱۳۷۹، ص ۳۱). آیت‌الله مصباح، همین شیوه را در رویارویی با شبهات دین‌ستیزان نیز به کار گرفته است. بنابراین، نه شیفتگی افراد مانع فهم درست اندیشه‌ها و بررسی دقیق آنها شد و نه بغض دین‌ستیزان موجب سوءفهم اندیشه‌ها و بررسی آنها شد.

حب و بغض افراطی به یک چیز ممکن است مانعی برای دیدن حقیقت و بررسی واقع‌بینانه آن شود. به گفته سعدی در *گلستان*:

کسی به دیده انکار اگر نگاه کند
فرشته‌ایت نماید به چشم کروی

نشان صورت یوسف دهد به ناخوبی
وگر به چشم ارادت نگه کنی در دیو

(سعدی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۰).

از منظر آیت‌الله مصباح، در مواجهه با افکار و سخنان حتی زنده‌ترین آنها، که بنیان فکر اسلامی را نابود می‌کرد، شخصیت‌گوینده دخالت نداشت. به همین دلیل، در مقام بررسی اندیشه‌ها زندگی‌نامه شخصی صاحب اندیشه‌ها را بر ملا نمی‌کرد و از آنها اسم نمی‌برد. روش ایشان در پاسخ به شبهات اعتقادی، آن بود که هرچند شبهه‌افکنان معاصر را به خوبی می‌شناخت، اما آن را در تحلیل و فهم حرفشان دخالت نمی‌داد و سابقه زندگی شبهه‌افکن را در مقام پاسخ به شبهه طرح نمی‌کرد.

۱-۲. تقریر و تحلیل دقیق شبهه

آیت‌الله مصباح به جدّ می‌کوشید تحلیل دقیق از شبهه را ارائه دهد. گاه آن قدر شبهه را پرورش می‌دهد که بیشترین وقت جلسه را به آن اختصاص داده، اعتراض برخی شاگردان را در پی داشته است. پروراندن شبهه و روشن کردن ابعاد مختلف آن نقش مهمی در پاسخ‌گویی به شبهه موردنظر دارد. از نظر گاه آیت‌الله مصباح، پاسخگوی شبهات اعتقادی موظف است خودش را به جای شبهه‌افکن بگذارد و سعی کند با تحلیل دقیق، ادعای او را بفهمد و به این نکته پی ببرد که طرح‌کننده شبهه چه نکاتی را در دل داشته و بیان نکرده و به پیش‌فرض‌ها و پیش‌زمینه‌های فکری شبهه موردنظر پی ببرد.

مرحله تحلیل دقیق شبهه، گاه به جایی می‌رسد که حتی ممکن است دلیلی قوی‌تر بر مدعای شبهه‌افکن آورده شده، زمینه برای نقد و بررسی همه‌جانبه آن فراهم شود. آیت‌الله مصباح، شبهه را از خود شبهه‌افکنان بهتر مطرح می‌کرد. با توجه به آنچه در معاناشناسی شبهه بیان شد، این مرحله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شبهه، حق‌نما و شبیه حق است. اگر در جایی، حق و باطل با یکدیگر مخلوط شده و در این میان، حق مشتبه و پنهان شده است، بهترین شیوه آن است که در فرایندی روشن، هریک از حق و باطل از یکدیگر تفکیک شوند. یکی از بهترین اقدامات، که دست شبهه‌افکن را رو کرده، مغالطات آگاهانه و ناآگاهانه او را نشان می‌دهد، تقریر و تحلیل دقیق شبهه است؛ به این معنا که مرزها و قلمرو دقیق مسئله روشن شده، ابعاد آن واکاوی شود.

آیت‌الله مصباح، مقدمات طرح یک شبهه را بیان فرموده و مبانی آن را نیز خاطر نشان می‌کرد. همچنین به تقریر ادعا، ادله موجود و حتی ادله قابل اقامه بر آن نیز می‌پرداخت. برای نمونه، او در بررسی شبهه ناسازگاری دین با آزادی انسان، صورت‌های مختلف اشکال را در دو قالب درون‌دینی و برون‌دینی طبقه‌بندی کرده، سعی می‌کند از منظرهای مختلف، به این شبهه پرداخته و آن را به صورت‌های گوناگون تقریر کند (مصباح، ۱۳۹۱ ج، ۴، ص ۲۱۶-۲۲۳). این شیوه در بین اندیشمندان شیعه رایج بوده است. تعبیر «ان قلت، قلت» در کتب فقهی و اصولی نشان‌دهنده به‌کارگیری این شیوه در میان مجتهدان است و بدین معناست که مجتهدان در حال تولید سؤال و پاسخ به آن هستند. اندیشمندان با به‌کارگیری این شیوه، خود را به جای مخاطبان و طراحان سؤال گذاشته و می‌کوشند همه جوانب مسئله را بررسی کنند. آیت‌الله مصباح، چنین شیوه‌ای را نه تنها در بررسی مسائل فقهی و اصولی، بلکه در مقام رویارویی با شبهات شبهه‌افکنان معروض نیز به کار می‌گرفت. یکی از آثار به‌کارگیری این شیوه، آن است که پاسخگوی به شبهات، به بی‌انصافی و عدم درک دقیق مسئله متهم نمی‌شود. افزون بر این، نشان‌دهنده آن است که تفکر شیعی مفتخر به عقلانیت است و از ابزار معرفتی عقل به درستی بهره می‌گیرد. از این‌رو، از هیچ شبهه‌ای، خواه عقلی باشد یا غیرعقلی ابا ندارد. اگر شبهه‌ای عقلی باشد با عقل، به صورت روش‌مند درصدد حلش برمی‌آید و اگر غیرعقلی باشد، آن را مردود می‌شمارد.

۱-۳. تبارشناسی شبهات

گام سوم در نقد شبهات اعتقادی، تبارشناسی آنهاست. یکی از شگردهای آموزنده آیت‌الله مصباح، روشن ساختن تبار شبهه است. برخی از شبهه‌افکنان، گمان می‌کنند که برای نخستین بار، شبهات را مطرح کرده و یا تقریر جدیدی از آن را برای اولین بار مطرح کرده‌اند. آیت‌الله مصباح، با تبارشناسی شبهات مزبور نشان می‌داد که این‌گونه شبهات و شبیه آنها، در زمان پیامبر اسلام ﷺ نیز مطرح و نقد شده است. گاهی پیشینه طرح شبهات را در خود قرآن کریم ردیابی می‌کردند و نشان می‌دادند که قرآن نیز از وجود چنین شبهاتی خبر داده است. با به‌کارگیری این شیوه، ابهت شبهه را از بین می‌برد. نشان دادن سابقه تاریخی طرح شبهات در قالب‌های گوناگون، مانند آیات، روایات، اشعار، نقل‌های تاریخی و... موجب می‌شود ترس و واهمه اولیه رویارویی مخاطبان با شبهات اعتقادی از بین برود. آیت‌الله مصباح به دلیل تسلط بر معارف اسلامی به خوبی از این شیوه بهره می‌برد و نشان می‌داد که بسیاری از شبهاتی که به صورت جدید جلوه‌گری می‌کنند، چهارده قرن پیش مطرح بوده و اساساً شبهه جدید و حرف تازه‌ای در سخنان شبهه‌افکنان دیده نمی‌شود.

۱-۴. توجه به منشأ و علل پیدایش شبهه

چهارمین گام برداشته‌شده توسط آیت‌الله مصباح در مقام بررسی شبهات اعتقادی، توجه به منشأ و علل پیدایش آنهاست. ایشان در این مرحله، نگاه تک‌عاملی به خاستگاه شبهات نداشتند، بلکه با رویکرد کثرت‌گرایانه، درصد کشف علل گوناگون از قبیل علل روحی و روانی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی بودند. همچنین، در مقام بیان انگیزه‌های طرح و یا ترویج یک تفکر نادرست، هم به انگیزه‌های خیرخواهانه توجه داشتند، هم انگیزه‌های مغرضانه. برای نمونه، می‌توان به تبیین انگیزه‌های ترویج سکولاریزم از منظر ایشان اشاره کرد (ر.ک: مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۳۴-۱۳۵).

۱-۵. توجه به پیامدهای شبهه

برشمردن پیامدها و آثار سوء یک شبهه، می‌تواند نقش مهمی در دنبال نکردن آن از سوی مخاطبان داشته باشد. هرچند ممکن است یک ادعا در نگاه نخست، موجه به نظر آید و چه‌بسا بسیاری از مخاطبان را با خود همراه کند، اما برشمردن پیامدهای نامطلوب شبهه موردنظر تا حدودی پرده از اهداف پشت پرده طراحان شبهه برمی‌دارد. بنابراین، باید از سطح شبهه فراتر رفت و نتایج نزدیک و دور آن را در نظر گرفت. آیت‌الله مصباح، به صورت مستند، دقیق و معقول، پیامدهای علمی و عملی و مادی و معنوی پذیرش یک شبهه را نشان می‌داد و گاه، آنچه دیگران در آینه نمی‌دیدند، او در خشت خام می‌دید. سخنرانی‌های افشاگرانه آیت‌الله مصباح، در طول زندگی پربرکتش گواه این ادعاست. در بخش دوم این پژوهش، پیامدهای شبهات مطرح‌شده درباره حقوق زنان را از منظر آیت‌الله مصباح برمی‌شماریم.

۶-۱. نقد ادله و مدعا

آیت‌الله مصباح، پس از بیان ادله‌ای که مستند شبهه‌افکنان قرار گرفته و یا ممکن است به آنها استناد شود، به بررسی تک‌تک آنها پرداخته و آنها را نقد می‌کرد. در عین حال، به نقد ادله اکتفا نمی‌کرد، بلکه با بررسی و نقد اصل مدعا، شبهه را ریشه‌کن می‌کرد. راز به کارگیری این شیوه آن است که نقد دلیل، دلیل بر نقد مدعا نیست. به عبارت دیگر، نقد دلیل اخص از نقد مدعاست؛ زیرا ممکن است دلیلی باطل بر مدعای درست اقامه شده باشد. به فرموده آیت‌الله مصباح، نادرست بودن دلیل، همیشه نشانه نادرستی نتیجه نیست؛ زیرا ممکن است برای اثبات مطلب صحیحی از دلیل نادرستی استفاده شود. بنابراین، بطلان دلیل فقط می‌تواند دلیل عدم اعتماد به نتیجه باشد، نه دلیل غلط بودن واقعی آن (مصباح، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳۹).

از این رو، تلاش حداکثری برای اقامه دلیل جدید، برای شبهات موجه می‌نماید و ممکن است برای شبهات، ادله قوی‌تری اقامه کرد. به هر حال، نقد مدعا در کنار نقد ادله موجب ناکارآمدی شبهه در مقام نظر است.

۷-۱. تبدیل تهدید به فرصت

یکی از شیوه‌های آموزنده آیت‌الله مصباح در پاسخ به شبهات، از جمله شبهات اعتقادی آن است که ایشان مانند بسیاری از اندیشمندان تاریخ فکر شیعی، شبهه را ابزار و پلی برای تبیین دقیق‌تر، عمیق‌تر و گسترده‌تر معارف اسلامی قرار داده است. استراتژی تبدیل تهدید به فرصت در مقام علم و شبهات به طور دقیق توسط او عملیاتی شده است. تهدید شبهه را می‌توان به تهدید حوادث طبیعی از قبیل سیل و زلزله تشبیه کرد. هرچند حوادث طبیعی، ممکن است به برخی آسیب وارد کند، اما نکته مهم، شیوه رویارویی با آنهاست. می‌توان با آنها به صورت منفعلانه یا فعال رویارو شد. رویارویی فعالانه بدین معناست که این تهدید به فرصت برای ریشه‌کنی آن و تحکیم بنیان‌های اعتقادی تبدیل شود. یکی از نمونه‌های تاریخی چنین رویکردی را باید در رویارویی فعالانه علامه امینی با شبهه سندی حدیث غدیر ملاحظه کرد. مدت‌ها هیچ اندیشمند معتبر و مهمی در میان اهل سنت سند حدیث غدیر را مخدوش و یا دارای شبهه ندانسته و این حدیث به صورت عادی در میان شیعیان نقل می‌شد. با مطرح شدن شبهه عدم اعتبار سند این حدیث، علامه امینی با صرف عمر خویش به تولید اثر بی‌نظیر *الغدیر پرداخت* و با مطالعه آثار گوناگون در شهرها و کتابخانه‌های مختلف و کار مداوم شبانه‌روزی در سرما و گرمای طاقت‌فرسا، توانست تواتر این حدیث را در فکر شیعی و سنی نشان دهد.

آقابزرگ تهرانی (۱۲۹۳-۱۳۸۹ق) نیز در مقام پاسخ به این شبهه که اندیشمندان شیعی آثار مهمی ندارند و اهل علم نبودند، به تدوین دو دایره‌المعارف با نام‌های *الدریعة الی تصانیف الشیعة* و *طبقات اعلام الشیعة* پرداخت که شمار فراوان اندیشمندان شیعه و تعداد چند برابری آثارشان را در برابر آثار علمی دیگران نشان می‌داد. به‌راستی، تبدیل تهدید به فرصت همواره در میان اندیشمندان شیعی مورد اهتمام جدی بوده است. شبهات در عقلانیت شیعی رنگ می‌بازد و تهدیدش به فرصتی برای تبیین دقیق معارف اسلامی تبدیل می‌شود. این نکته، بیانگر آن است که عقل که حجتی

الهی است، از شبهه بی‌باک است و همواره آماده پذیرش شبهات و پاسخ‌گویی منطقی و روشمند به آنهاست. برخی روشن‌فکران، پیامبر را مرشدی معنوی معرفی می‌کردند و مدعی بودند که پیامبر اسلام ﷺ با علمی مانند اقتصاد، سیاست، مدیریت و سایر علوم انسانی و تجربی سروکار نداشته و هدف پیامبر پرداختن به این امور نبوده است. این دیدگاه در فهم قرآن کریم توسط این طیف از روشن‌فکران نیز تأثیرگذار بوده است. مهندس *بزرگان* در آثار خویش، از جمله در کتاب *خدا و آخرت* هدف رسالت انبیا، پرداختن پیامبران به اموری مانند اقتصاد و سیاست را از اهداف بعثت ایشان ندانسته است، بلکه باور دارد شأن قرآن، ساختن بعد معنوی آدمی است، نه بیان نظام‌های اجتماعی. براساس این دیدگاه، «اشاراتی هم که در قرآن به مسائل دنیایی و اجتماعی شده است، اموری تطفلی یا مقطعی بوده است» (مصباح، ۱۳۹۲، ص ۲۹۷؛ همو، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۲۷-۱۲۸).

این دیدگاه به صورت روشمند و با طی مراحل، که در این پژوهش بیان شد، توسط *آیت‌الله مصباح* نقد و بررسی شده است (مصباح، ۱۳۹۲، ص ۳۰۱-۲۹۷) و تا آنجا که به مرحله تبدیل تهدید به فرصت مربوط است، می‌توان این نکته را نیز افزود که یکی از اقدامات ارزشمند *آیت‌الله مصباح*، تعریف طرح گسترده تصنیف موضوعی *تفسیر المیزان* است که حدود دو دهه، ده‌ها متخصص در رشته‌های مختلف علمی برای اجرای آن کوشش کرده‌اند. تدوین تفسیرهای تخصصی در حوزه‌های مختلف علمی، از قبیل اقتصاد، جامعه‌شناسی، سیاست، روان‌شناسی، مدیریت و... از برکات شیوه تبدیل تهدید به فرصت است که در پی شبهات پیش‌گفته به کار گرفته شده است.

۲. تطبیق روش بر مسئله حقوق زن

یکی از شبهاتی که در زمان *حیات آیت‌الله مصباح*، شبهه‌ای قوی و جدید به نظر می‌رسید، مسئله حقوق زن بود. *آیت‌الله مصباح* در گام اول، با قطع نظر از حب و بغض نسبت به کسانی که این شبهه را مطرح کرده و رواج دادند، به تقریر و تحلیل دقیق شبهه پرداخته است. براساس شبهه مزبور، اسلام در وضع حقوق، عدالت را رعایت نکرده و بین زن و مرد تبعیض قائل شده است. در واقع شبهه، القاکننده این نکته است که اسلام، زن را اساساً انسان به حساب نیاورده و یا دست‌کم زن را فرع و مرد را اصل دانسته است!

آیت‌الله مصباح برای بررسی ابعاد مختلف شبهه، به بیان نکاتی درباره تساوی زن و مرد در آفرینش پرداخته، پس از آن، تفاوت‌های زن و مرد را تبیین کرده است (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۲۷۸-۲۷۹؛ همو، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱-۲۲۲). بدین‌سان، زمینه برای طرح شبهات مربوط به حقوق زنان فراهم شده، آنها را به صورت تفصیلی مطرح کرده است. وی در مقام تبارشناسی شبهه، اختلاف‌های قانونی و تشریحی زن و مرد را براساس اختلاف‌های جسمی و روانی آنها، به سه گروه اختلاف در احکام و حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی دسته‌بندی کرده و آنها را در منابع اسلامی، اعم از آیات و روایات نشان داده است (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۲۹۳-۲۹۴؛ همو، ۱۳۸۸،

ص ۲۲۸-۲۲۹). ایشان افزون بر بررسی‌های قرآنی و روایی، در مقام بررسی تاریخی مسئله حقوق زنان با تأکید بر مسئله ارث زنان می‌گوید: «در بسیاری از جوامع بشری (چه در گذشته، چه حال) زنان از ارث بی‌نصیب بوده‌اند و هستند. در پاره‌ای از جوامع، حتی زنان، خود نیز مانند اموال به ارث می‌رسیده‌اند؛ اما در اسلام و قرآن تصریح شده است که زن افزون بر اینکه مال الارث نیست، مانند مرد ارث می‌برد. البته در سهم آنها به سبب مصالحی فرق گذاشته شده است» (همان، ص ۲۹۶).

مرحله بعد، بیان عوامل پیدایش و طرح مسئله آزادی زن و تساوی حقوق زن است. آیت‌الله مصباح، نه تنها به بررسی تفصیلی منشأ پیدایش حقوق از منظر مکاتب غرب و اسلام (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۷-۱۱۰؛ همو، ۱۳۹۲، ب، ص ۴۱-۶۷؛ همو، ۱۳۸۸، ص ۴۵-۷۰) پرداخته است، بلکه به طور خاص منشأ شبهات مربوط به حق آزادی زن را نیز بیان کرده است. او در مقام بررسی عوامل روانی و شهوانی این شبهه، به این نکته اشاره کرده که طرح این شبهه فرصتی برای مردان هوس‌باز برای سوءاستفاده از زنان است. به لحاظ اقتصادی نیز نظام کاپیتالیستی و دنیای عصر صنعت، برای جبران عقب‌ماندگی خود به دنبال استفاده از نیروی کار زنان با قیمت اندک بوده است. همچنین، نظام دموکراتیک به دنبال کسب آراء جامعه بانوان است و از طرح این شبهه درصدد تحریک عواطف و احساسات زنان است:

سه عامل اساسی در پدید آمدن و رشد نهضت‌های دفاع از حقوق زن، بیش‌ترین تأثیر را داشته است:

۱. هوسرانی و شهوت‌طلبی مردان. شکی نیست که در هریک از جوامع و فرهنگ‌های بشری و به‌ویژه در نظام‌های دینی، زنان کم و بیش قید و بندهایی از قبیل «حجاب» داشته‌اند. مردان شهوت‌پرست درصدد برآمدند تا با عناوین فریبنده‌ای چون «حقوق زن» و «آزادی زنان»، آنان را از آن قید و بندها رها سازند و از خانه‌ها بیرون بکشند و بدین ترتیب، به ارضای هرچه بیش‌تر شهوت‌های حیوانی خود بپردازند.

۲. بهره‌کشی اقتصادی از زنان. پس از صنعتی شدن کشورهای غربی، سرمایه‌داران و کارفرمایان به جست‌وجوی نیروی کار ارزان برخاستند و چون زنان تا آن زمان و در آن ممالک، درآمدی نداشته، به طور طبیعی می‌پذیرفتند که مزدی کم‌تر از مردان به آنان بپردازند، کارخانه‌داران درصدد سوءاستفاده از این وضع برآمدند. شعارهایی از قبیل «زنان باید آزاد باشند؛ در چهاردیواری خانه محصور نمانند؛ استقلال اقتصادی داشته باشند و در صحنه‌های اجتماعی به کار و سازندگی مشغول شوند»، دستاویز خوبی برای کارخانه‌داران بود تا به این وسایل بتوانند زنان را به محیط کارخانه‌ها بکشانند و از آنان بهره‌برداری اقتصادی کنند.

۳. استفاده از آرای سیاسی زنان. در نظام‌های مردم‌سالار (دموکراتیک) که مدعی اتکای حکومت بر

آرای مردمند، جاه‌طلبان و شیفتگان قدرت، چون زنان را انعطاف‌پذیرتر و تأثیر تبلیغ‌ها را در آنان بیش‌تر می‌یافتند و از طرفی نیازمند آرای بیش‌تری بودند، کوشیدند تا آنان را به میدان اجتماع و سیاست وارد کنند و با فریفتن و تحت‌تأثیر قرار دادن آنان، آرای بیش‌تری به دست آورند و بر اریکه قدرت تکیه زند (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۳۳۲-۳۳۳؛ همو، ۱۳۸۸، ص ۱۷۷-۱۷۸).

وی همچنین، منشأ شبهه دربارهٔ اختلاف حقوق زن و مرد در پی اختلاف طبیعی و تکوینی آنها را شبههٔ معروف «استنتاج باید از هست» دانسته است و با اشاره به پیشینهٔ تاریخی آن، تلاش کرده است تقریری منطقی از این شبهه ارائه دهد و در مقام پاسخ‌گویی به آن برآید (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۲۸۵-۲۸۷).

آیت‌الله مصباح، در مرحلهٔ تحلیل پیامدهای سوء شبهه دربارهٔ حقوق زنان نشان داده است که در دنیای غرب، زن به کالایی برای هوسرانی مردان تبدیل شده و آزادی عنان‌گسیختهٔ زنان، ابزاری برای سوءاستفادهٔ مردان است. تحمل بیش‌ترین تجاوزها و نامنی‌های جنسی از سوی زنان، تحمل بیش‌ترین آسیب‌ها و ناامنی‌های روحی روانی و اخلاقی برای آنان، و فروپاشی نظام خانواده در دنیای غرب از پیامدهای چنین آزادی ادعاشده از سوی شبهه‌افکنان است. او پیامدهای منفی آزادی‌های نامشروع، که به بهانهٔ دفاع از حقوق زنان مطرح شده است، را بدین شرح برمی‌شمارد:

الف. زنان کرامت خود را از دست داده، به ابتذال کشیده شدند و به صورت ابزار هوسرانی‌های مردان درآمدند. این ابتذال تا بدانجا کشیده شده که به جای آنکه مردان در طلب زنان باشند و به خواستگاری ایشان بروند، زنان در پی مردان می‌افتند و خود را بر آنان عرضه می‌کنند.

ب. در دسترس بودن بیش از حد زنان و رفتار غیرطبیعی آنان، موجب شده که مردان کم‌کم از آنان رویگردان، و حتی متفر شوند و این امر موجب شده تا مردها برای ارضای غریزه جنسی خود، به همجنسان خود روی آورند. سردی و بی‌مهری مردان نیز زنان را واداشته است که عطش جنسی خود را با همجنسان خود فرو نشانند. رواج همجنس‌بازی در کشورهای غربی، به طور عمده معلول همین علت است و خود، علت بسیاری از بیماری‌های جسمی و روانی شده است، به‌گونه‌ای که امروزه، این پدیده یکی از مشکل‌های بزرگی است که تمدن غرب با آن دست به‌گریبان است.

ج. کار کردن زنان در بیرون از خانه، مانع از این شد که بتوانند به کارهای خانه چنان که باید و شاید رسیدگی کنند و همین ضعف، سبب بروز اختلاف‌های خانوادگی شد. از سوی دیگر، استقلال اقتصادی و داشتن درآمد هم موجب جسورتر شدن زنان شد و بیم آنان را از متارکه و طلاق کاهش داد. در نتیجه، دامنه نزاع‌های خانوادگی گسترش یافت. روشن است که پیامد تشدید این‌گونه اختلاف‌ها، در غالب موارد چیزی جز طلاق و جدایی زن و شوهر نیست.

د. یکی از نتایج نهضت‌های طرفدار زنان، منع تعدد زوج‌ها بود. گفتند و نوشتند که بیش از یک زن داشتن، بی‌حرمتی به شخصیت زنان و سبب تضییع حقوق آنان است؛ پس نباید به مرد اجازه داد که همسر دیگری برگزیند. نتیجه دیگر، منع ازدواج موقت بود که آن هم با استدلال‌هایی مشابه به کرسی نشست. از دست به دست هم دادن

چند عامل همجنس‌بازی، ازدیاد طلاق، ممنوعیت چندهمسری و منع نکاح موقت، آنچه حاصل شد، فقط افزایش سریع تعداد دختران شوهر نکرده و زنان بیوه بود. این امر در کشورهایی که به جنگ‌های شدید داخلی یا برون‌مرزی مبتلا می‌شدند و تعداد فراوانی از مردان خود را از دست می‌دادند، شکل مصیبت‌بارتر و چاره‌ناپذیرتری به خود می‌گرفت و از صورت امر موقت و گذرا خارج می‌شد.

هـ. مردان که از چندهمسری و ازدواج موقت به شدت منع شده بودند، وقتی با یک زن، غریزه جنسی خود را اشباع شده نمی‌یافتند، چاره‌ای جز رقیقه‌بازی نمی‌دیدند؛ از این رو، ارتباط‌های نامشروع جنسی با دختران و زنان بی‌شوهر و حتی زنان شوهردار رایج شد. تحقیق‌های آماری خود غربیان، بیانگر این واقعیت دردآور است که اکثریت قریب به اتفاق مردان، در جوامع غربی، به یک زن قانونی خود بسنده نمی‌کنند و با دختران و زنان دیگر سر و سری دارند. و ارتباط‌های جنسی نامشروع، سبب گسیختگی علایق خانوادگی، فروپاشی و انهدام کانون گرم خانواده و پیدایش اطفال نامشروع و بی‌سرپرست می‌شود.

آشفتگی‌های روانی و اجتماعی ناشی از به اصطلاح آزادی زن، محدود به این موارد نیست. آنچه گفتیم، فقط مشتی از خروارها مشکل و مصیبت‌هایی است که تمدن غرب را زیربار خود به ستوه آورده است. به همین دلیل، فعالیت‌های روزافزونی که در جوامع غربی و به‌ویژه به وسیله زنان، ضد این «حقوق و آزادی‌های زن» صورت می‌پذیرد، به‌هیچ‌وجه دور از انتظار نیست. امروزه زنان کشورهای غربی به طور جدی از حکومت‌های خود می‌خواهند که تعدد زوج‌ها را قانونی کنند. اینان می‌گویند و می‌نویسند که به کارگاه و کارخانه و اداره و مؤسسه کشیده شدن، برای ما حاصلی جز این نداشته است که هم مردان از پرداختن هزینه زندگی ما سر باز می‌زنند و هم باید متحمل کارهای دشوار و گاهی خفت‌آمیز در خارج از خانه شویم (مصباح، ۱۳۹۱ ج، ۵، ص ۳۳۳-۳۳۵؛ همو، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸-۱۸۰).

آیت‌الله مصباح در آثار خویش، ضمن نقد ادله این شبهه، اصل مدعا را نیز نقد کرده و شبهه را پلی برای تبیین دقیق جایگاه زن و حقوق زن از نگاه اسلام و قرآن قرار داده است. براین اساس:

در اسلام در آنچه مربوط به جهات مشترک مرد و زن است برای هر دو حقوق مساوی در نظر گرفته شده است. اما در مواردی که به خصوصیات هریک از زن و مرد مربوط می‌شود، حقوق و تکالیف اختصاصی برای آنها مطرح شده است. این تفاوت‌ها به مواردی مربوط می‌شود که اختلاف طبیعی میان مرد و زن موجب اختلاف در اعمال و تکالیف اجتماعی آنها شده و در نتیجه برای آنها حقوقی متناسب با وظایف اختصاصی هریک به همراه آورده است (مصباح، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ همو، ۱۳۹۱ ج، ۵، ص ۲۷۵-۲۷۸).

آیت‌الله مصباح به قدری زیبا شأن زن را بالا آورده و از حقوق زن دفاع کرده و منطق اسلام را در این مسئله به صورت محققانه تبیین کرده که شفع‌آور و افتخارآفرین است. او در پایان بررسی‌های عالمانه شبهه حقوق زنان می‌گوید:

واقع این است که آزادی زن در جوامع غربی و غرب‌زده، اگرچه نتایج اندوه‌بار، وحشتناک و

جبران ناپذیری به دنبال داشته، زمینه بازگشت به «نظام حقوق زن در اسلام» را فراهم آورده است. غرب که قرن‌ها بیش‌ترین حمله‌های خود را متوجه اسلام و نظام حقوقی آن می‌کرد، اکنون خواسته یا ناخواسته به سوی بعضی از احکام حقوقی این دین مقدس می‌گراید و این پدیده در زمینه حقوق زن، مشهودتر است. به طور مثال، در سال‌های اخیر، گرایش به نسبت خوبی به حجاب میان زنان غیرمسلمان غرب پدید آمده است (مصباح، ۱۳۹۱ ج، ۵، ص ۳۳۵؛ همو، ۱۳۸۸، ص ۱۸۰).

به‌کارگیری این شیوه در پاسخ به شبهات اعتقادی آثار مشهودی دارد. *آیت‌الله مصباح*، در سفری که به آمریکای جنوبی داشتند، با حجم گسترده‌ای از پرسش‌ها درباره جایگاه زن در اسلام و حقوق زن روبه‌رو شدند و با تبیین منطق اسلام در این باره، بسیار مورد اقبال و تشویق حضار قرار گرفتند (mesbahyazdi.ir). به‌راستی، با به‌کارگیری روش صحیح روبروایی با شبهات، نه تنها نباید از شبهه هراس داشت، بلکه باید به سراغشان رفت و با بررسی روشمند آنها، به تحلیل لایه‌های عمیق‌تر معارف اسلامی دست یافت.

نتیجه‌گیری

با توجه به معنای لغوی شبهه، منظور از آن در این پژوهش، هرگونه اشکالی است که موجب اشتباه در تشخیص حق از باطل شود. با توجه به معارف اسلامی اجر پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی بارها بیش از اجر مجاهدان و مدافعانی است که در جبهه‌های نبرد فیزیکی تلاش می‌کنند؛ زیرا اگر شبهات اعتقادی پاسخ داده نشود، اصل دین و معارف آن از بین خواهد رفت و جهاد فیزیکی در راه خدا نیز مورد مناقشه و اشکال قرار خواهد گرفت. *آیت‌الله مصباح*، با شیوه بدیع خویش نسبت به پاسخ‌گویی به شبهات پیشگام بودند. در این پژوهش، با توجه به آثار مکتوب و شفاهی *آیت‌الله مصباح*، روش ایشان در هفت مرحله استخراج و تبیین شده است. ایشان در مرحله نخست می‌کوشید شبهه را بدون در نظر گرفتن حب و بغض نسبت به شبهه و یا شبهه‌افکن به درستی دریابد. سپس، به تقریر و تحلیل دقیق شبهه پرداخته و ابعاد آن را کاملاً از یکدیگر تفکیک کرده و مرزها را به‌روشنی بیان می‌کرد. سپس، با تبارشناسی شبهه به تبیین پیشینه تاریخی شبهه پرداخته، بار روانی نو بودن شبهه را از مخاطبان برمی‌دارد. توجه به خاستگاه‌های شبهه و عوامل گوناگونی که موجب پیدایش شبهه شده در کنار توجه به پیامدهای نامطلوب شبهه از دیگر گام‌های طی شده توسط *آیت‌الله مصباح* است که زمینه را برای نقد اصل مدعا، افزون بر ادله اقامه شده یا قابل اقامه بر شبهه فراهم کرده است. براساس روش‌شناسی صورت‌پذیرفته، هنگامی فرایند پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی با موفقیت پایان می‌پذیرد که تهدید شبهه به فرصتی برای تبیین دقیق‌تر و عمیق‌تر معارف اسلامی تبدیل شود. همه مراحل پیش‌گفته را می‌توان در شبهات گوناگون مطرح‌شده در حوزه اعتقادات از جمله حقوق زن پیاده‌سازی کرد. به‌کارگیری این روش، در پاسخ‌گویی به همه شبهات از جمله شبهات اعتقادی برای عموم پژوهشگران قابل توصیه است.

منابع.....

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تحقیق و تصحیح فیض الاسلام، قم، هجرت.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.
- تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)، ۱۴۰۹ق، *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری*، تصحیح مدرسه امام مهدی (ع)، قم، مدرسه امام مهدی (ع).
- حسینی زبیدی، محمدمتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تصحیح علی شیری، بیروت، دار الفکر.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دار العلم.
- رجبی، محمود، ۱۳۸۳، *انسان‌شناسی*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- سعدی، مصلیح‌بن عبدالله، ۱۳۷۶، *گلستان سعدی*، به کوشش نورالله ایزدپرست، تهران، دانش.
- صدرالمآلهین، ۱۹۹۸م، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*، قم، مصطفوی.
- فروغی، محمدهلی، ۱۳۷۹، *سیر حکمت در اروپا*، تصحیح امیرجلال‌الدین اعلم، چ سوم، تهران، البرز.
- فیاضی، غلامرضا، ۱۳۸۹، *علم النفس فلسفی*، تحقیق و تدوین محمدتقی یوسفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مجلسی، محمداقبر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، تحقیق جمعی از محققان، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محیطی اردکان، محمدهلی و احمدحسین شریفی، ۱۳۹۹، «اخلاق پژوهش با تأکید بر علوم انسانی اسلامی»، *معرفت/اخلاقی*، ش ۲۷، ص ۲۳-۵.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۶۱، *ایدئولوژی تطبیقی*، قم، مؤسسه در راه حق.
- _____، ۱۳۸۳، *آموزش فلسفه*، چ چهارم، تهران، امیر کبیر.
- _____، ۱۳۸۸، *نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام*، تدوین و نگارش عبدالحکیم سلیمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۱الف، *آموزش عقاید ۱-۳*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- _____، ۱۳۹۱ب، *به پیشواز خورشید غرب*، تدوین و نگارش مرتضی موسی‌پور، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- _____، ۱۳۹۱ج، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها (جلد ۱-۵)*، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- _____، ۱۳۹۱د، *نظریه حقوقی اسلام*، تحقیق و نگارش محمدمهدی کریمی‌نیا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- _____، ۱۳۹۲الف، *انسان‌شناسی در قرآن*، تنظیم و تدوین محمود فتحعلی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- _____، ۱۳۹۲ب، *حقوق و سیاست در قرآن*، نگارش محمد شهرابی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- _____، ۱۳۹۲ج، *رابطه علم و دین*، تحقیق و نگارش علی مصباح، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- _____، ۱۳۹۲د، *قرآن‌شناسی*، تحقیق و نگارش غلامعلی عزیزی‌کیا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- _____، ۱۳۹۲هـ، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).